

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی گسترده ترو مستحکم تر باد همبستگی اکثریت اهالی جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت حکومت اسلامی در ایران

- ادامه یکشنبه های اعتراضی کارگران بازنشسته کشور نسبت به سطح نازل حقوق منجمله مصوبه مزدی ضد کارگری شورای عالی کار، وضعیت نامناسب خدمات بیمه درمانی با تجمع در شهر رشت مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان گیلان با شعارهای «درد ما درد شماست یاران به ما ملحق شوید»، «ظلم ستم کافیه سفره ما خالیه» و...

- اعتراض کارگران کشت و صنعت نیشکر میان آب نسبت به قطع آب شرکت

- ادامه اعتراضات کارگران اخراجی پتروشیمی ارغوان گستر ایلام نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و عدم بازگشت بکار

- کانون نویسندگان ایران:

اسناد ۸ تیر ۱۳۶۰، روز تجدید پیمان با آزادی

- هشدار شورای هماهنگی نسبت به وضعیت خطرناک زندانیان سیاسی

- درخواست ۱۴۰ دانش آموخته دانشگاه علم و صنعت ایران برای آزادی فعال سابق دانشجویی

- یازده روز بی خبری مطلق از علی یونسی

- امروز نهمین روز از بازداشت برادرم، #حسین_میربهراری است

- محکومیت استاد منتقد دانشگاه به پرداخت جزای نقدی بابت اتهام «نشر اکاذیب»

- شرایط برای پناهجویان افغانستانی در ایران هر روز وخیم‌تر می‌شود. به ویژه در شرایط پساجنگی، دستگاه‌های حکومتی شدت سرکوب علیه پناهجویان افغانستانی را شدیداً افزایش داده‌اند.

- جان باختن کارگر یک مرغداری بانه پس از 5 روز دست و پنجه نرم کردن با مرگ بدنبال برق گرفتگی حین نجات یک پرند

*ادامه یکشنبه های اعتراضی کارگران بازنشسته کشور نسبت به سطح نازل حقوق منجمله مصوبه مزدی ضد کارگری شورای عالی کار، وضعیت نامناسب خدمات بیمه درمانی با تجمع در شهر رشت مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان گیلان با شعارهای « درد ما درد شماست یاران به ما ملحق شوید»، «ظلم ستم کافیه سفره ما خالیه» و...

روزیکشنبه 8 تیر

/فراخوان از پیش منتشرشده برای تجمع اعتراضی امروز



مردم شریف و آگاه ایران!

علیرغم بحران جنگ ، فرزندان شما در گیلان، سنگر کف خیابان را ترک نگفته و طی دو هفته گذشته با افتخار پرچم مطالبه گری را در اهتزاز نگهداشتند.

بنابر این دگر بار به یکشنبه های اعتراضی سراسری پیوسته و کف خیابان را از آن خود کرده و فریاد " کارگر- معلم- کشوری- لشکری /اتحاد اتحاد " را با شعار محوری " درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید" پیوند زده بلکه زینهارى باشد برای تصمیم سازان نابخرد.

"کارگر زندانی معلم زندانی آزاد باید گردد"

"مادتين ۹۶ و ۵۴ اجرا باید گردد"

"فقط کف خیابون/ بدست میاد حقمون"

زمان: یکشنبه ۸/تیر/۴۰۴ ساعت ۳۰/۱۰

مکان: رشت، گلزار،مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان #گیلان

***اعتراض کارگران کشت و صنعت نیشکر میان آب نسبت به قطع آب شرکت**

روزیکشنبه 8 تیر،گزارش اعتراض کارگران کشت و صنعت نیشکر میان آب نسبت به قطع آب این شرکت واقع در شهرستان کرخه ،استان خوزستان در شبکه های اجتماعی منتشر شد.

بنا بهمین گزارش،بدنبال این اعتراض شنبه شب(7 تیر)،آب شرکت وصل شد اما ، مدیریت شرکت میان آب با سوءاستفاده از این مطالبه گری، آب را به سمت مزارع شلتوک هدایت کرده است. این در حالی است که مجوز آب صرفاً برای کشت نیشکر، به عنوان محصول اصلی شرکت، صادر شده است. بی توجهی به این امر، موجب واکنش مسئولان استانی و در نهایت، قطع مجدد آب شرکت شده است.

***ادامه اعتراضات کارگران اخراجی پتروشیمی ارغوان گستر ایلام نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و عدم بازگشت بکار**

روزیکشنبه 8 تیر، کارگران اخراجی پتروشیمی ارغوان گستر ایلام با انتشار نامه ای سرگشاده به اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و عدم بازگشت بکار از جمله عدم اعلام نتایج آزمون،ادامه دادند.

متن این نامه رسانه ای شده بقرار زیر است:

مدتهاست که از تعدیل ما {گروهی از نیروهای بومی شرکت پتروشیمی ارغوان گستر ایلام} می گذرد و برای بازگشت به کار، از هر طریق ممکن پیگیری کرده و به ناچار در آزمون هزار حرف و حدیث نیز شرکت نموده ایم اما هنوز هیچ پاسخی در خصوص بازگشت به کار و اعلام نتایج آن آزمون پرحاشیه، دریافت نکرده ایم و کماکان بلاتکلیف هستیم.

شرکت ارغوان گستر می گوید اسامی را برای بررسی و اعلام نتایج، به شورای تأمین استان و استانداری ایلام فرستاده ایم اما مسئولان استانی مدعی اند که هیچ نامه و لیستی دریافت نکرده اند.

همه ما و خانواده‌هایمان در این بلاتکلیفی و انتظار آزاردهنده، دچار بحران‌های شدید روحی، روانی و خانوادگی شده‌ایم و سخت در مضیقه قرار داریم.

بی‌صبرانه خواستار حمایت، تعیین تکلیف و پاسخگویی صریح و فوری از سوی استانداری ایلام و شرکت ارغوان‌گستر هستیم. قطعاً سکوت بیش از این، بازی با جان و آینده ما نیروهای بومی منطقه است و عواقب مناسبی به دنبال نخواهد داشت.

***کانون نویسندگان ایران:**

اسناد ۸ تیر ۱۳۶۰، روز تجدید پیمان با آزادی

۸ تیرماه ۱۳۶۰ هفته‌ای از ۳۰ خرداد خونین گذشته است و حاکمیت ارتجاعی تازه به‌قدرت‌رسیده، شمشیر آخته به کف و کف بر زبان آورده، حریف می‌طلبد و به کمتر از قلع‌ووقع منتقدان و دگران‌دیشان و مخالفان رضایت نمی‌دهد؛ در همان حال گروه دیگری که از مصادیق بارز و مسلم «گرگ در پوست میش» است و مدعای ترقی‌خواهی و احقاق حقوق مردم دارد، هم‌نوا با سرکوب حکومتی کبابه‌ی جنگ با منتقدان می‌کشد؛ این‌جاست که «کانون نویسندگان ایران»، این وجدان بیدار نویسنده‌ی متعهد ایرانی، پا در معرکه‌ی همیشگی آزادی و آزادی‌ستیزی می‌گذارد.

سند زیر چکیده‌ای است از شرح آن ایستادگی بر سر آرمان آزادی و تن ندادن به استبدادی که دهه‌ها پاییده است. اما، چنان‌که در پایان سند ملاحظه می‌کنید، جای بس دریغ است که اصل بیانیه در دست نیست و ناگزیر این چکیده را از کتاب «سرگذشت کانون نویسندگان ایران» به قلم محمدعلی سپانلو نقل می‌کنیم که از اعضای بنیادگذار کانون به شمار می‌آید. لازم است اشاره شود که نشانه‌های گیومه و سه‌نقطه در متن به همین صورت در کتاب سپانلو آمده‌اند که علت آن بر ما هم معلوم نیست.

اسناد

۸ تیر ۱۳۶۰، روز تجدید پیمان با آزادی

هشتم تیرماه ۱۳۶۰ هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران در پیامی به «هنرمندان و اهل قلم» گزارشی از احوال فرهنگی کشور را در آن روزگار عرضه کرد. این گزارش با اشاره به تجاوز دولت‌مداران جدید به حقوق و آزادی‌های مردم و یادآوری «دسته‌های سیاه زور و اختناق» حکایت می‌کند که «هنرمندان و نویسندگان و اهل قلمی که به علت وابستگی یا اعتیاد ذهنی به برخی جریان‌های سیاسی، یا فقط به دلیل توهمات و دل‌بستگی‌های عقیدتی یا عاطفی خود به پاره‌ای مکتب‌ها، با سکوت در برابر جریان‌های متجاوز و اوباش بسیج‌شده قدرت ... اصول و نوامیس حرفه‌ای خود را زیر پا نهادند و از این راه لطمه‌ای جبران‌ناپذیر بر وجدان و اخلاق هنری و فرهنگی جامعه ... وارد کردند. در برابر اعتراض روشنفکران متعهد ... این دسته از هنرمندان و اهل قلم با مستبدان و متجاوزان تازه‌به‌دوران‌رسیده هم‌آواز شدند و به جای محکوم کردن گرایش‌های انحصارطلبانه ... با مقصر قلمداد کردن «گروه‌های فشار و دسته‌های

اهل قلمی هستیم که گویی رسالتی جز سازش با قدرت حاکمه و توجیه هر نوع بی‌دادگری ... برای خود نمی‌شناسند. ... طرفه آن‌جاست که این سرسپردگان قدرت، به جای اعتراض به اعدام جوانان انقلابی، اختلاف عقیده‌ی خود را با این فرزندان خلق به رخ مردم می‌کشند و چاپلوسانه از حاکم شرع می‌خواهند که لطف فرموده و دلایل اعدام آنان را اعلام کند».

آخرین بند این نوشته شهادتی دردآلود بر اوضاع زمانه است: «آن‌چه اکنون در برابر ملت ستم‌دیده و مبارز ما قرار دارد چشم‌انداز هولناکی از خون و آتش، قهر و سرکوب، ترور و خفقان است؛ هرچند تشخیص آن‌چه در فراسوی این چشم‌انداز می‌گذرد کار آسانی نیست.» و در پایان با بیان اعتقاد کانون نویسندگان ایران به «پیروزی نهایی حقیقت و خرد بر دروغ و جهل» به همه هنرمندان و اهل‌قلم توصیه می‌کند در این «بزرگه تاریخی ... به بازسنجی کردارها و پندارهای خود برخیزیم، پرده‌ی کوردلی‌ها و جزم‌اندیشی‌ها را از هم بدریم ... هیچ غازه‌ی توجیه‌گرانه‌ای نمی‌تواند چهره‌ی پلید جنایات ضدبشری و ضدمردمی را تزئین کند و یا توجیه‌گران مماشات‌گر را در پیشگاه تاریخ و داوری خلق تبرئه کند. فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید...»

(برگرفته از: محمدعلی سپانلو، سرگذشت کانون نویسندگان ایران، صص ۳۳۶-۳۳۷)



کانون نویسندگان ایران

*هشدار شورای هماهنگی نسبت به وضعیت خطرناک زندانیان سیاسی

محمد حبیبی؛ سخنگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

۱. کانال شورای هماهنگی در همان روز اول حمله اسرائیل به اوین در گزارشی که از زندان اوین رسیده بود صراحتاً از کشته شدن افراد غیرنظامی زیادی به‌ویژه تعدادی از زندانیان و خانواده‌های

مراجعه‌کننده به زندان اوین خبر داد. بعد از نزدیک به یک هفته، سخنگوی قوه قضاییه خبر کشته شدن این خانواده‌ها و زندانیان در این حمله را تایید کرد.

۲. در همان گزارش تاکید شد که بند امنیتی ۲۰۹ خسارت زیادی دیده است. حالا بعد از نزدیک به یک هفته خبری از برخی زندانیان سیاسی همچون #علی_یونسی، #مطهره_گونه‌ای و #ارغوان_فلاحی نیست و حالا این نگرانی به صورت جدی وجود دارد که در اثر این حمله، آسیب جدی به این دوستان و سایر زندانیانی که در زمان حمله در انفرادی بوده‌اند، وارد شده است.

۳. بعد از حمله به زندان اوین، زندانیان بند چهار، بند هشت و بند زنان، با فشار و تهدید و رفتارهای غیرانسانی به زندان تهران بزرگ و زندان قرچک منتقل شده‌اند. شرایط اسفناک این دو زندان و بویژه بندهایی که این زندانیان سیاسی در آن نگهداری می‌شوند که از حداقل‌های امکانات بهداشتی و درمانی هم بی‌بهره است، نگرانی‌های عمیقی را بوجود آورده است، بویژه که تعدادی از این زندانیان همچون #ابوالفضل_قدیانی، #راحله_راحمی‌پور و تعدادی دیگر سالمند، بیمار و نیازمند مراقبت‌های ویژه هستند.

۴. شرایط کنونی زندانیان سیاسی در زندان تهران بزرگ و زندان قرچک نیازمند رسیدگی ویژه و در رأس آن اعطای مرخصی و آزادی است. همه‌ی این زندانیان از جمله #محمد_حسن_پوره، فعال صنفی معلمان، #اسماعیل_گرامی، فعال بازنشستگان و #مرتضی_صیدی، فعال کارگری و #خشایار_سفیدی و #مصطفی_محمد_حسن از فعالان دانشجویی در زندان تهران بزرگ

و #آنیشا_اسدالهی، #ریحانه_انصاری_نژاد #ناهد_خداجو و #نسرین_جوادی و #گلرخ_ایرانی از فعالان کارگری و بسیاری دیگر از این زندانیان در شرایط بسیار سخت و خطرناکی به سر می‌برند؛ به‌ویژه که بنا بر گزارش‌ها، مسئولان زندان قرچک نه تنها پاسخگوی نگرانی خانواده‌های این زندانیان نبوده‌اند! بلکه با توهین و حرفهای نامربوط با ایشان برخورد کرده‌اند.

۵. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکومیت حمله اسرائیل به زندان اوین و کشتار هموطنان غیرنظامی در این زندان، نگرانی عمیق خود را از تداوم شرایط اسفناک زندانیان سیاسی در دو زندان قرچک و تهران بزرگ اعلام می‌دارد و خواهان آزادی هر چه سریعتر این زندانیان و شفاف‌سازی نسبت به وضعیت زندانیانی است که تاکنون هیچ خبری از آنها بعد از حمله به اوین، مخابره نشده است. بویژه علی یونسی، مطهره گونه‌ای و ارغوان فلاحی.

بی‌شک مسئولیت جان این عزیزان و سایر زندانیان سیاسی و غیرسیاسی بر عهده مسئولان قضایی و امنیتی است.

***درخواست ۱۴۰ دانش‌آموخته دانشگاه علم‌و‌صنعت ایران برای آزادی فعال سابق دانشجویی**

۱۴۰ نفر از دانش‌آموختگان دانشگاه علم‌و‌صنعت ایران در بیانیه‌ای، ضمن ابراز نگرانی از وضعیت حمید بیدار، فعال سابق دانشجویی، خواستار آزادی فوری و لغو حکم زندان وی شدند.

در این بیانیه که به امضای ۱۴۰ دانشجوی سابق این دانشگاه رسیده، تأکید شده است: «ما به عنوان جمعی از دوستان و همدانشگاهیان حمید، او را به صداقت و حق‌طلبی می‌شناسیم. شهادت می‌دهیم که حمید چه در دوران فعالیت‌های دانشجویی و چه در محل کسب‌وکار و روابط اجتماعی، می‌کوشید آلوده سیاسی‌گری‌ها و حساب‌وکتاب‌های هزینه‌فایده‌نشد و آنچه را حق می‌دانست بی‌چون‌وچرا حمایت کند.»

این دانش‌آموختگان در بیانیه خود با اشاره به وضعیت دشوار حمید بیدار در زندان تهران بزرگ، شرایط نگهداری او را «نگران‌کننده» توصیف کرده و افزوده‌اند: «اکنون اما اخبار دلهره‌آور در خصوص نحوه انتقال و شرایط اسفبار نگهداری تعداد زیادی از زندانیان سیاسی و عقیدتی، نگرانی‌های ما و خانواده‌اش را چندین برابر افزایش داده است.»

بر اساس این گزارش، حمید بیدار، فعال سابق دانشجویی، پیش‌تر از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی عموزاد به ۱۱ سال زندان محکوم و این حکم در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر به صورت غیابی عیناً تأیید شده بود. اتهامات وی «توهین به مقدسات»، «توهین به رهبری»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «نشر اکاذیب» و «تشویش اذهان عمومی در فضای مجازی» اعلام شده است؛ این فعال سابق دانشجویی روز ۱۵ خرداد جهت تحمل دوران محکومیت حبس خود راهی زندان اوین شده بود.

امضاکنندگان در پایان بیانیه خود تصریح کرده‌اند: «ما امضاکنندگان این نامه ضمن ابراز نگرانی از وضعیت هم‌کلاسی سابق‌مان حمید بیدار، خواستار آزادی فوری و لغو حکم ناعادلانه او هستیم.»

متن کامل بیانیه و فهرست امضاکنندگان در کانال خبرنامه امیرکبیر

***یازده روز بی‌خبری مطلق از علی یونسی**

بنا بر گزارش‌های منتشر شده، علی یونسی، مدال‌آور المپیاد جهانی و دانشجوی زندانی دانشگاه صنعتی شریف، از تاریخ ۲۹ خرداد ۱۴۰۴ و به دنبال انتقال ناگهانی از بند ۴ زندان اوین، در وضعیت بی‌خبری کامل به سر می‌برد. خانواده و نزدیکان او تاکنون هیچ اطلاعی از محل نگهداری و وضعیت وی ندارند.

براساس اظهارات هم‌بندیان یونسی، او در روز چهارشنبه، ۲۹ خرداد، از آشپزخانه بند ۴ زندان اوین توسط مأموران امنیتی منتقل شده و به آن‌ها گفته شده بود که این انتقال به منظور بازجویی صورت گرفته و وی به زودی بازخواهد گشت. با گذشت ۱۱ روز از این رویداد، همچنان هیچ خبر رسمی یا غیررسمی از سرنوشت او در دست نیست.

همزمان با این اتفاق، تعداد دیگری از زندانیان سیاسی، از زندان اوین به زندان تهران بزرگ منتقل شده‌اند. گزارش‌ها حاکی از شرایط بسیار نامناسب در زندان تهران بزرگ است؛ محدودیت در دسترسی به آب، غذا، تلفن و کمبود وسایل ضروری از جمله مشکلات مطرح شده در این زندان عنوان شده است. با این حال، از سرنوشت علی یونسی پس از حمله به زندان اوین خبری در دست نیست.

پیش‌تر، نگرانی‌های جدی درباره صدور حکم ۱۶ سال حبس برای علی یونسی، که در پی یک روند قضایی پر ابهام و غیرشفاف صادر شده بود، در میان فعالان حقوق بشری مطرح شده بود. در روزهای اخیر نیز کاربران در شبکه‌های اجتماعی با هشتگ **#زندانی_ما_کجاست**، نسبت به وضعیت مبهم و بی‌اطلاعی از سرنوشت شماری از زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان پس از آغاز جنگ جمهوری اسلامی و اسرائیل واکنش نشان داده‌اند.

منبع: کانال خبرنامه امیرکبیر

امروز نهمین روز از بازداشت برادرم، **#حسین_میربهار** است.

در این مدت، هیچ پاسخ روشنی از سوی نهادهای مسئول دریافت نکرده‌ایم. هنوز نمی‌دانیم او کجاست و دلیل بازداشتش چیست؟ این بی‌خبری، بی‌نهایت جان‌فرساست.

حال هیچ‌یک از اعضای خانواده خوب نیست. نگرانی و بی‌اطلاعی روزبه‌روز ما را فرسوده‌تر می‌کند. حتی نمی‌دانیم چطور می‌توانیم چند دست لباس برایش بفرستیم، یا اینکه داروهایش را به‌موقع دریافت می‌کند؟ حسین شرایط جسمی خاصی داشت و رژیم غذایی‌اش باید رعایت می‌شد، اما اکنون از حالش کاملاً بی‌اطلاعیم.

بی‌خبری، برای ما شکل دیگری از شکنجه است. نمی‌دانیم این رنج و فشار بر خانواده چه هدفی را دنبال می‌کند.

کسانی که حسین را می‌شناسند، می‌دانند او انسانی شریف، مسئول و دلسوز است که تمام زندگی‌اش را وقف کودکان کرده است؛ کودکانی که از ابتدایی‌ترین حقوق خود، مانند تحصیل، محروم مانده‌اند.

حسین از بنیان‌گذاران «جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان» است؛ نهادی که با تلاش فراوان و با وجود تمام محدودیت‌ها، برای آموزش کودکان بی‌شناسنامه و بازمانده از تحصیل شکل گرفت. هدف او روشن بود: ایجاد فضایی برابر برای کودکان محروم، صرف‌نظر از ملیت و نژاد.

ما هنوز نمی‌دانیم چرا باید چنین انسانی بازداشت شود. حسین چه جرمی مرتکب شده؟ جز اینکه با تمام وجود برای ساختن آینده‌ای بهتر برای کودکان تلاش کرده است؟

ما خواستار پاسخ‌گویی مسئولان، شفاف‌سازی وضعیت حقوقی و جسمی او، و آزادی فوری‌اش هستیم.

بی‌خبری دیگر کافی‌ست.

#حسین_میربهار_کجاست

#زندانی_ما_کجاست

#بی_خبری_شکنجه_است

#حسین_میربهار_فعال_حقوق_کودکان_کار_و_خیابان

#حسین_میربهراری_فعال_حقوق_کودک

#آزادی_بی_قید_و_شرط_حسین_میربهراری

#where_is_our_prisoner

بنقل از صفحه اینستاگرام نادیا میربهراری منتشره در شبکه های اجتماعی

***محکومیت استاد منتقد دانشگاه به پرداخت جزای نقدی بابت اتهام «نشر اکاذیب»**

مرتضی نعمتی، استاد پیشین دانشگاه چمران اهواز و منتقد فضای آکادمیک کشور، از صدور حکم محکومیت خود به پرداخت جزای نقدی به اتهام «نشر اکاذیب» خبر داد.

به گزارش کانال خبرنامه امیرکبیر، نعمتی با انتشار متنی در صفحه شخصی‌ای در شبکه اجتماعی اینستاگرام، ضمن اعلام این خبر، بخشی از فیش حقوقی خود را منتشر کرد و به انتقاد از آنچه «حکمرانی دروغ در دانشگاه‌ها» خواند، پرداخت. وی در این متن نوشت: «در سه سال گذشته که ناچار به استعفا از شغل دانشگاهی شدم، مستنداتی از سامانه‌ی دروغ و تفتیش عقاید ارائه کردم و بهترین واژه برای این شیوه‌ی حکمرانی را، حکمرانی دروغ می‌دانم.»

این استاد پیشین دانشگاه همچنین با اشاره به محتوای حکم صادرشده و جزئیات مبهم در فیش حقوقی خود، از عملکرد مالی و محاسبات بیمه و کسورات انتقاد کرد و در بخش پایانی نوشته خود، با لحنی کنایه‌آمیز، محکومیتش را در راستای «تامین هزینه‌های جنگ دوازده روزه با اسرائیل» توصیف کرد.

گفتنی است، این محکومیت در پی فعالیت‌های انتقادی نعمتی در حوزه دانشگاه و انتشار مطالبی درباره شرایط مدیریت علمی کشور صورت گرفته است.

***شرایط برای پناهجویان افغانستانی در ایران هر روز وخیم‌تر می‌شود. به ویژه در شرایط پساجنگی، دستگاه‌های حکومتی شدت سرکوب علیه پناهجویان افغانستانی را شدیداً افزایش داده‌اند.**

روز جمعه ۶ تیر ۱۴۰۴، رسانه‌های حکومتی به نقل از سرتیپ احمدعلی گودرزی، فرمانده مرزبانی فراجا، نوشته‌اند که «هر گونه منزل و ملکی که به افغانی‌ها اجاره داده شود، قولنامه آن باطل است» و با خواستار اخراج دست‌جمعی پناهجویان شده‌اند.

بر اساس گزارش‌ها، در دو روز (چهارشنبه و پنج‌شنبه)، بیش از ۶۰ هزار مهاجر افغانستانی از ایران اخراج شده‌اند. این اخراج‌های گسترده یک بحران انسانی ایجاد کرده است، چرا که اخراج کردن یک نفر یا یک خانواده از محل زندگی‌اش، یعنی محروم کردن شخص از کار، مدرسه، محل زندگی، روابط دوستی و ساختارهای حمایتی اجتماعی و ...

در دو سال گذشته، بسیج کردن جامعه علیه پناهجویان به یکی از اولویت‌های حکومت تبدیل شده است. با بسیج شدن جامعه علیه پناهجویان، حکومت در جایگاه مجری سیاست‌های ضد‌مهاجرت، توانسته و می‌تواند حدی از مشروعیت را کسب کند. سیاست‌های حکومت در این خصوص اشکال

متنوعی داشته است: از کمپین‌های پروپاگاندا جهت انسانیت‌زدایی و عادی‌سازی خشونت علیه پناهندگان افغانستان گرفته، تا باطل اعلام کردن مدارک هویتی (برگه‌ی سرشماری) بسیاری از پناهندگان افغانستانی که سال‌هاست در جغرافیای ایران زندگی می‌کنند. حالا، در شرایطی که حکومت به طور کلی در تلاش است به بهانه‌ی وضعیت جنگی و پسا‌جنگی و «امنیت ملی»، به اشکال شدیدی از سرکوب مشروعیت ببخشید، حملات حکومت علیه پناهجویان افغانستانی هر روز شدیدتر می‌شود.

سکوت جامعه در برابر این سیاست‌های هولناک، در شرایطی که جریان‌هایی از جامعه هم با این سیاست‌ها همسو هستند، اجرای این سیاست‌ها را تسهیل می‌کند. سکوت نکنیم.

برگرفته از کانال شورای همبستگی پناهجویان و پناهندگان در ترکیه

***جان باختن کارگر یک مرغداری بانه پس از 5 روز دست و پنجه نرم کردن با مرگ بدنال برق گرفتگی حین نجات یک پرنده**

روزشنبه 7 تیر، کارگر یک مرغداری بانه بنام رحیم براخاسی که حدود 5 روز پیش حین نجات یک پرنده دچار برق گرفتگی شده بود و در بیمارستان بستری بود، جان خود را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com